

## تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)

محمد صادقی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۱۲

### چکیده

دین اسلام پس از استقرار، به سرعت توانست بنیان گذار تمدن شگرفی در جهان شود؛ به گونه‌ای که تمدن‌های دیگر، از جمله تمدن غربی را وام‌دار خود نماید. امام خمینی، ضمن توجه به ابعاد مادی و معنوی تمدن‌ها، با نقد تمدن غربی و تأکید بر مادی و تک بعدی بودن آن، تمدن اسلامی را جامع‌ترین تمدن‌ها دانسته که دارای روحی سرشار از ایمان است و این روح در تمامی ارکان آن جریان دارد. امام، از سوی دیگر بر وجه معنوی و توان انسان‌سازی تمدن اسلامی به عنوان مهم‌ترین عنصر آن تأکید می‌کند.

**کلیدواژه‌گان:** امام خمینی (ره)، تمدن، تمدن اسلامی، فرهنگ.

سپهر سیاست

سال دوم

شماره ششم

زمستان ۱۳۹۴

## مقدمه

با ظهور اسلام در سرزمین عربستان، تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی فراوانی پدید آمد و دین مبین اسلام توانست در اندک زمانی با اتصال انسان‌های سرگشته، به مبدأ هستی و ارائه جهان‌شناسی نوین و آموزه‌های حیات‌بخش، پایه‌گذار تمدن عظیم جهانی گردد؛ و تمدنی پدید آورد که تمدن‌های قدرتمند و با سابقه ایران و روم آن زمان را به چالش و رقابت جدی فراخواند. ولی این سیطره و سروری تمدن اسلامی پس از مدتی به رکود و سستی گرایید و بسیاری از جلوه‌ها و شکوه خود را از دست داد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی بار دیگر شکوه تمدن اسلامی احیا شد.

در این مقاله در پی پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که تمدن اسلامی در دیدگاه امام خمینی چه مفهوم، شاخص و ویژگی‌هایی دارد؟

تمدن مجموعه داشته‌ها و ساخته‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است که در پرتو ابداعات و فعالیت‌های افراد و گروه‌های انسانی، طی قرون و اعصار گذشته توسعه و تکامل یافته و در تمام قسمت‌های یک یا چند جامعه که با یکدیگر ارتباط دارند رایج است. مانند تمدن اسلامی، تمدن ایران. تمدن اسلامی بر اساس نگرش توحیدی، تمدنی است ایدئولوژیک با مجموعه‌ای از ساخته‌ها و اندوخته‌های معنوی و مادی جامعه اسلامی که انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می‌دهد.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

## ارکان و شاخصه‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی که نمونه کامل تمدن دینی است، ویژگی‌هایی دارد که آن را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌سازد. که اغلب این شاخصه‌ها، در واقع ملاحظات قرآنی می‌باشد. این شاخصه‌ها از این قرارند:

### قوانین دینی

تمدن اسلامی با مجموعه‌ای از قوانین دینی که برگرفته از قرآن کریم و آموزه‌های نبوی است، همه ابعاد زندگی و دقائق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را شامل می‌شود. شمولیت و احاطه قوانین

اسلامی مبتنی بر آیات عمیق و چندبعدی قرآن کریم، افزون بر مسائل کلان حیات جمعی، خردترین و ظریف‌ترین بخش‌های زندگی فردی را دربر می‌گیرد. به‌همین دلیل تمدن اسلامی با قوانین مشخص، به سیر تکاملی جامعه سمت‌وسو و سرعت می‌بخشد. البته از طرف دیگر نیز باید بر انطباق قواعد و اصول اسلامی با طبایع و فطرت بشری، و نیز سادگی و بی‌پیرایگی منحصر به فرد این قوانین نیز اشاره داشت که خود عاملی در اعتلا و گسترش این تمدن محسوب می‌گردد.

### نگرش توحیدی

عنصر وحدت‌بخش توحید با القای نگرش «از اوایی و به‌سوی اوایی»<sup>۱</sup> «جامعه اسلامی را هدایت می‌کند و همه اقوام و ملل مختلف را زیر لوای وحدانیت گرد می‌آورد و پیوندی عمیق میان آنها ایجاد می‌کند.

### عامل خردورزی

اسلام دین تفکر و تعمق است. تأکید و توصیه‌های مکرر قرآن کریم به تدبیر تأییدی بر این مدعاست: أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ .. وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

همه این آیات آدمی را به تفکری هدف‌مند فرامی‌خواند و از انسان می‌خواهد تا با تأملی عمیق، درهای معرفت را به روی خود بگشاید. گاه آن‌قدر برای تفکر ارزش قائل می‌شود که مقام متفکر را بالاتر از مقام عابد و زاهدی متعجب می‌داند که سالها به عبادت پرداخته است. در تفکر و تدبیر اسلامی، ابعاد مختلف عبرت‌آموزی و دانش‌افزایی نهفته است و حرکت فرد و جامعه را توأمان تضمین می‌کند.

### علم و دانش‌اندوزی

یکی از مهم‌ترین عناصری که بستر مناسبی برای پیشروی جامعه ایجاد می‌کند، علم‌آموزی و کسب دانش است. اسلام که دینی بالنده است، با فراخوان جوامع بشری به توسعه نظام معرفتی، از همگان می‌خواهد تا با کسب علم و دانش بر جهل فائق آیند. اسلام ضمن تأکید وافر بر ضرورت علم‌آموزی و عمل به آن، عقلانیت مبتنی بر علم را ستایش می‌کند و فعالانه آنها را در سرنوشت تمدنی بشر دخیل می‌داند.

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

## رعایت حقوق مظلومان و مستضعفان

اسلام دین عدالت و مساوات و مکتبی استکبارستیز است، که استراتژی جامعه اسلامی را در برپایی عدالت مشخص می‌کند و در پایان، سیطره مستضعفان بر جهان را وعده می‌دهد. وَتُرِيدُ أَنْ تَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَتَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَتَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. قصص (۲۸): ۵.

از همین رو قرآن کریم با آموزه‌های پرفراز، راه رقابت غیرصحيح را بر بشر بسته و از آنها می‌خواهد با ترک حرص و آز، تقوا پیشه کنند. افزون بر این از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، بی‌تقوایی در کنار نقص عناصر تمدنی - چون دانش و اندیشه، ایدئولوژی و باور - اساس جامعه را به هلاکت می‌کشاند.

## هجرت

این عامل تعیین‌کننده، که ابتدا به‌عنوان ابزاری کارآمد در حفظ جان مسلمانان صدر اسلام نقش‌آفرینی می‌کرد، در ادوار بعدی تأثیر به‌سزایی در تمدن اسلامی برجای نهاد. اغلب منجیان و بنیان‌گذاران انقلاب‌های بزرگ دینی یا غیردینی تحت تأثیر هجرت، افزون بر تکمیل دانش و تجربه خود، توفیق تحولی عظیم را در خود و پیرامون خویش می‌یابند. آنچه بر تقویت این دیدگاه می‌افزاید توجه قرآن کریم به موضوع هجرت است. بی‌تردید هجرت در روند اخذ و اعطای اصول و قواعد تمدنی چون دانش و تجربه مؤثر است؛ چنان‌که مهاجران، همواره ناقلان فرهنگ و تمدن‌اند و حضور آنان در جوامع مهاجرپذیر، توأم با تغییر و تحول فرهنگی است.

## تسامح و تساهل

اسلام در شرایطی به بشریت عرضه شد که دنیا اسیر تعصبات دینی و قومی بود. در این شرایط، اسلام با توصیه به مسلمانان ضمن ترک رهبانیت و انزوا، راه میانه را برای رسیدن به جامعه‌ای مطلوب معرفی نمود. پس از بسط فتوحات اسلامی، به نشر کیشی مبادرت شد که با شرایط زمان، لحاظ نمودن موقعیت و مکان و البته با فطرت بشری تطبیق داشت. دینی ساده و بی‌پیرایه در حوزه رفتار و ظاهر زندگی، مشحون از پیام‌های مودت‌آمیز صلح‌دوستانه، مردم را به عرصه‌ای عاطفی سوق داد و با آزاداندیشی و به دور از تعصبات قومی و قبیله‌ای، با ابزار



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

کارآمد، مدارا با اهل کتاب، همه را تحت یک لوا گرد آورد و جامعه را به اعتدالی همه‌گیر رهنمون ساخت. در واقع همین تسامح و بی‌تعصبی بود که در قلمرو اسلام، میان اقوام و ملل مختلف، تعاون و معاضدت را - که لازمه رشد واقعی تمدن است - به وجود آورد و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز عناصر نامتجانس را ممکن ساخت.

### تمدن اسلامی در دیدگاه امام خمینی (ره)

در میان علما و اندیشمندانی که در باب تمدن اسلامی تأملاتی داشته و نظراتی ارائه کرده‌اند، امام خمینی، به‌عنوان عالم و مجتهدی طراز اول که رهبری انقلاب اسلامی ایران را در سال ۱۳۵۷ عهده‌دار بود، دارای جایگاهی خاص می‌باشد. کتاب «صحیفه امام» حاوی مجموعه سخنان پربار امام خمینی، است. در این کتاب، واژه «تمدن» ۱۵۲ بار و واژه «تمدن» ۲۵ بار به‌کار رفته است. مجموع بیانات ایشان در مورد تمدن را می‌توان در چهار مقوله دسته‌بندی کرد:

۱. تمدن و شاخص‌های آن؛
۲. نقد تمدن غربی؛
۳. نقد تمدن شاهنشاهی؛
۴. تمدن اسلامی.

### تمدن و شاخص‌های آن در اندیشه امام خمینی (ره)

#### چیستی تمدن و معنای آن

ابتدائاً باید اشاره داشت که تمایزی بنیادین در نظریه‌پردازی تمدن بین دیدگاه‌های حضرت امام، و دیگرانی که در این مقوله سخن گفته‌اند وجود دارد. در نگاه ایشان: «مستشرقان تمدن را تنها در ساختمان‌های بلند، بناهای عالیه و ساختمان مدارس و مساجد و مانند اینها محدود کرده‌اند، یعنی در یک نگاه محدود و ماده‌نگر، تمدن هم عمدتاً به دستاوردهای مادی محدود می‌شود و حال آنکه در نگاه عمیقی که برخاسته از نگاهی خاص به انسان و تعامل انسان با محیط پیرامون و تعامل انسان و خداست، انسان وارسته، اخلاقی و فرهیخته نیز یک دستاورد تمدنی به‌حساب می‌آید.» در نظر امام، هر تمدنی که ظهور می‌کند باید از توانایی لازم برای سوق دادن انسان‌ها به سوی تعالی مادی و معنوی برخوردار باشد. تمدن‌ها باید

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)



نیازهای فردی و اجتماعی جوامع بشری را رفع و درصدد رشد و تعالی انسان‌ها باشند. (معینی، دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی ایرانی، ص ۵۱)

در اندیشه امام خمینی، مفهوم تمدن در قالب یک تعریف مشخص و ثابتی ارائه نشده است و از همین رو معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. در برخی موارد ایشان، واژه تمدن را از واژه فرهنگ متمایز و آنها را جداگانه به کار می‌برند که نشان می‌دهد معنای متفاوتی را از این دو مفهوم مد نظر داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید یک فرهنگی باشد، موافق با تمدن امام (خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۷۰).

اما با بررسی جملات و بیانات حضرت امام خمینی، استنباط می‌شود که معنای دیگری که ایشان از تمدن قصد می‌کنند، همان پیشرفت و ترقی است. ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را از مصادیق تمدن به شمار می‌آورند. اما شواهد این برداشت: شاه شما را متهم می‌کند که مخالف تمدن بوده و گذشته‌گرا هستید. جواب شما به این مطلب چیست؟ این خود شاه است که عین مخالفت با تمدن است و ذشته‌گراست. مدت پانزده سال است که من در اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایم خطاب به مردم ایران، مصرأً خواستار رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکت‌م بوده‌ام؛ اما شاه سیاست امپریالیست‌ها را اجرا می‌کند»؛ (همان، ج ۳، ص ۳۶۸). ما می‌خواهیم ملت ایران غرب‌زده نباشد و بر پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام بردارد.»؛ (همان، ج ۴، ص ۱۶۰). هیچ‌یک از آثار تمدن نیست و مریض‌خانه نداریم و آسفالت نداریم و آب نداریم و از این مسائل.»؛ (همان، ج ۷، ص ۳۶۷). نهضت ما نهضتی متمدن و پیشرفته است. (همان، ج ۴، ص ۱۷۴)

بنابراین، از دیدگاه حضرت امام در اینجا تمدن، همان رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. اما ایشان تمدنی را مفید و سازنده می‌داند که براساس مبانی دینی شکل گرفته باشد. از این‌روست که نهضت اسلامی را مصداق نهضت متمدن معرفی می‌کند.

علاوه بر این، واژه تمدن در اندیشه امام گاهی به معنای کلی فرهنگ و تمدن نیز می‌باشد. ایشان غالباً وقتی که از تمدن در تألیفات یا سخنان خود استفاده می‌کنند، معنای کلی آن را مدنظر دارند: «اگر به این تمدن مفسده و فاسد پشت بکنیم، خودمان کم‌کم خودکفا خواهیم شد. (دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۵)

در این گونه موارد، امام واژه تمدن را به معنای خاصی که قبلاً اشاره شد به کار نمی برد، بلکه به مجموعه ای یک دست از نظام فکری، اخلاقی، آداب و سنن، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، دستاوردهای علمی و ... اشاره دارد که ملت ها و جوامع از آن برخوردار می باشند. در این معنی، واژه فرهنگ و واژه تمدن با هم ترکیب شده اند. بررسی نظریات و مواضع امام نشان می دهد که ایشان مفهوم اخیر تمدن یعنی معنای کلی آن را بیشتر مورد توجه قرار داده اند.

### شاخص های تمدن

از دیدگاه امام خمینی (ره)، شاخصه های تمدن عبارتند از: مذهب، قانون، آزادی، وجود احزاب، استقلال و تقسیم کارهای اجتماعی. خضوع در مقابل مذهب و قانون، تجدیدنظر در تصویب نامه ها و تسلیم مذهب و قانون شدن، علامت شهامت و تمدن است. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۱۰) البته مملکت متمدن باید حزب داشته باشد، احزاب داشته باشد. خوب، پس ما هم باید احزاب داشته باشیم... (همان، ج ۵، ص ۲۷۷) مملکت متمدن آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشند در اظهار عقاید و آرائشان. (همان، ص ۳۳)

بدین ترتیب امام خمینی از یک سو، بر آزادی های مشروع، استقلال و عدم وابستگی تأکید می کنند و از سوی دیگر، بر وجود دین و آموزه های آن در پی ریزی تمدن اصرار می ورزند و برای شکوفایی آن، به تقسیم کار اجتماعی و درجه بندی میان اعضای جامعه اشاره می کنند. در اینجا در راستای ارائه تبیینی روشن تر از آراء حضرت امام خمینی، پیرامون شاخص های تمدن، بایستی اشاره داشت که در تعریفی کلی از تمدن همان طور که اشاره شد می توان دو دسته از مؤلفه ها و شاخص های نرم افزاری (معنوی) و سخت افزاری یا مادی و عینی را از یکدیگر متمایز کرد.

تدقیق و کاوش در آثار و بیانات حضرت امام، گویای این مطلب است که ایشان با اعتقاد به مظاهر سخت افزاری و مادی تمدن ها از قبیل صنایع و سازه های انسانی، دانش پایه که هریک در توسعه جامعه انسانی دارای نقش برجسته ای هستند، بر اهمیت بنیادین، اولویت مندی و زیربنایی بودن شاخصه ها و مؤلفه های نرم افزاری یا معنوی تمدن ها تأکید دارند. در این باره ایشان می فرمایند: «همه مظاهر تمدن را با

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

آغوش باز قبول داریم» (همان، ج ۳، ص ۵۰۶) نیز می‌فرمایند: «ما با جمیع آثار تمدن موافقیم و مایلیم که مملکت ما مجهز بشود به جمیع آثار تمدن. (همان، ج ۵، ص ۵۰۰)

از همین رو ایشان در نقد تمدن غربی (که در ادامه به‌طور گسترده‌ای به آن خواهیم پرداخت) بر عدم توازن و تناسب در توجه و رشد دو سطح از شاخص‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تمدن تأکید دارند؛ همین مسئله به دنیایی ماندن و کم‌رنگ‌شدن ابعاد معنوی در این تمدن منجر شده است. همچنین ایشان معتقدند که مستشرقین و متفکران غرب، اسلام و تمدن آن را در ابنیه و آثار ظاهری آن دریافت کرده‌اند و به‌خطا این تمدن عظیم و بی‌نظیر را در مؤلفه‌های سخت‌افزاری آن محدود کرده‌اند و همین مسئله موجبات عدم فهم و شناخت صحیح آنها را در پی داشته است.

#### دیدگاه امام خمینی (ره)، نسبت به تمدن غرب

مسلمانان و ایرانیان در مواجهه با غرب با انکار و رد، تقلید، شیفتگی، رویارویی، ناخشنودی یا ترکیبی از آنها واکنش نشان داده‌اند که در جمع‌بندی کلی می‌توان این واکنش‌ها را در سه گروه کلی: پذیرش تمدن غرب (غرب‌گرایی)، رد و طرد تمدن غرب (غرب‌ستیزی) و اتخاذ نگاه‌گزینشی نسبت به تمدن غرب (غرب‌گزینی) تقسیم‌بندی کرد.

امام خمینی، از جمله اندیشمندانی است که به فرهنگ و تمدن غرب نگاه‌گزینشی دارد. امام با اینکه دغدغه دینی دارد و از طرفی از نفوذ گسترده غرب در جوامع اسلامی نگران است، سعی دارد با نگاهی واقع‌بینانه با تمدن غرب مواجه شود. ایشان به تمدن غرب به‌عنوان مجموعه‌ای می‌نگرند که در آن، هم نکات مثبت و هم جنبه‌های منفی وجود دارد. امام (ره) از اندیشمندان متعلق به جریان اول و دوم یعنی غرب‌گرایان و غرب‌ستیزان انتقاد می‌نماید. از نظر ایشان، هیچ‌یک از حامیان این دو جریان قادر به حل مشکلات جوامع اسلامی نیستند. امام (ره) معتقد است که غرب‌زدگان، غرب را قبله خود قرار داده‌اند و در ظلمت غرب فرورفته‌اند؛ (همان، ج ۹، ص ۴۶۰).

اینان مغز خود را به مغز غربی تبدیل کرده و به فرهنگ غنی جامعه خود توجهی نمی‌کنند و سعی دارند همه چیز را از غرب اقتباس نمایند. زمانی که آنها،



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴



با پیشرفت علمی و صنعتی غرب مواجه شدند، «خود را باختند و فکر کردند که راه پیشرفت این است که عقاید و فرهنگ خود را کنار بگذارند». (خودباوری و خودباختگی از دیدگاه امام خمینی، ص ۴) و از غرب الهام بگیرند. امام، غرب‌زدگان را مزدوران قدرت‌های بزرگ می‌داند که خدمتی به جامعه خود نمی‌کنند و تنها باعث وابستگی می‌شوند و زمینه سلطه غرب را فراهم می‌کنند. لذا از نظر ایشان یکی از راه‌های رسیدن به استقلال واقعی و قطع وابستگی‌ها، مقابله با غرب‌زدگان و از بین بردن وابستگی فکری‌ای است که آنها دچارش هستند.

امام از ردکنندگان تمدن غرب نیز انتقاد می‌کند. از نظر امام، این گروه نیز با سخت‌گیری‌های خود و برخورد احتیاط‌آمیز و سلبی با دستاوردهای تمدن غرب، مانع پیشرفت کشور می‌شوند. براساس دیدگاه امام، دلیل موضع‌گیری سلبی آنها نه به خاطر لجاجت یا علاقه نداشتن به پیشرفت کشور، بلکه به خاطر نگرانی از گسترش فرهنگ مبتذل غربی و استعمار می‌باشد. از نظر امام، «احساس خطر آنها از گسترش فرهنگ بیگانه، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب، باعث شده است که آنها با اختراعات و دستاوردهای صنعتی تمدن غرب نیز برخورد احتیاط‌آمیز کنند. این گروه به حدی به غرب، به دلیل جنبه استعماریش بدبین بودند که به هیچ جنبه‌ای از تمدن غرب اطمینان نمی‌کردند؛ و به دستاوردهای تمدن غرب به‌عنوان مقدمه ورود استعمار می‌نگریستند، لذا حکم به تحریم و منع استفاده از آنها می‌دادند. (دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۹۶)». (به نظر امام، اگر نظر مخالفان فرهنگ و تمدن غرب را بپذیریم، باید تمدن جدید را به کلی نفی کنیم).

پس دیدگاه امام (ره) در مواجهه با فرهنگ و تمدن غرب، دیدگاهی گزینشی است. ایشان فرهنگ و تمدن غرب را نه به‌طور کامل رد و نه تأیید می‌کنند، همان‌طور که غرب را دارای نقاط ضعف و نواقصی می‌دانند که مانع پذیرش کامل آن می‌شود، برای آن نقاط قوت و امتیازاتی نیز برمی‌شمارند که نشان می‌دهد برخی ابعاد آن مورد تأیید ایشان است. در ادامه به جنبه‌های مثبت و منفی تمدن غرب از دیدگاه ایشان اشاره می‌کنیم.

#### جنبه‌های مثبت تمدن غرب از نظر امام خمینی

امام خمینی (ره)، وجود برخی جنبه‌های مثبت در فرهنگ و تمدن غرب را تأیید می‌کند، ولی بر این نکته تأکید می‌نماید که «غرب خوبی‌ها را برای خود نگاه

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

می‌دارد (خودباوری و خودباختگی از دیدگاه امام خمینی، ص ۸۲) و کمتر به کشورهای دیگر منتقل می‌کند و اگر چنین اقدامی نیز انجام دهد، اهداف خاصی را از آن دنبال می‌نماید.

مهم‌ترین جنبه مثبت تمدن غرب از نظر ایشان پیشرفت‌های علمی، تکنولوژی و صنعت می‌باشد که بر پذیرش آنها تأکید می‌کند (صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۰۸) از نظر امام «اسلام، علم و تخصص را تمجید کرده و مسلمانان را به علم‌آموزی و یادگرفتن دانش دعوت می‌کند و از آنها می‌خواهد که اگر علم نزد کافران نیز باشد، بروند و آن را یاد بگیرند (دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۶۷). و از آن برای خدمت به کشور و اسلام استفاده کنند. «در اسلام تمام آثار تمدن و تجدد مجاز است» و هر آنچه را که موافق با مصالح امت اسلامی است تأیید می‌کند. (همان، ص ۱۰۸)

علاوه بر این، امام (ره) جنبه‌های مثبت دیگری نیز برای تمدن غرب قائل است و آنها را با توجه به دیدگاه‌های اسلامی خود به‌کار می‌گیرد که از جمله می‌توان به برخی نهادهای جدید، نظیر نظام انتخاباتی، مجلس قانون‌گذاری، نظام تفکیک قوا، تحزب و ... اشاره کرد.

با توجه به نقش مهمی که مصلحت و لزوم تطبیق با نیازهای زمان و کارآمدی حکومت در اندیشه امام ایفا می‌کند، بسیاری از ساختارهای سیاسی و حکومتی و مفاهیم جدید غربی توسط ایشان به‌کار گرفته شده است. از نظر امام این ساختارها برای اداره جوامع، دارای نقاط مثبت و مفیدی هستند و می‌توان آنها را به خدمت گرفت. ولی ابتدا باید آنها را با معیارهای اسلامی ارزیابی کرد. نهادها و مفاهیمی که در تمدن غرب شکل گرفته است، دارای ریشه‌های اومانیستی هستند و نمی‌توانند با اندیشه دینی سازگاری داشته باشند، ولی امام با استفاده از تسلط خود بر فقه، توانست بسیاری از این مفاهیم را با اندیشه دینی سازگار کند و خاستگاه دینی آنان را گوشزد نماید. امام با توجه به ملزومات اداره کشور در عصر حاضر، سعی می‌کند هم از تجربه موفق سایر حکومت‌ها در اداره کشور بهره بگیرد و هم محذورات بین‌المللی را لحاظ کند. از این‌رو ایشان بسیاری از نهادها و مفاهیم موجود در تمدن غرب را اقتباس کرد که می‌توان آنها را در اصول مختلف قانون اساسی و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

### جنبه‌های منفی تمدن غرب از نظر امام خمینی

در دیدگاه امام (ره)، تمدن غرب دچار ویژگی‌های منفی و نامطلوبی است که هم خود جوامع غربی با آن دست به گریبانند و هم ملت‌های شرقی و اسلامی از آثار نامطلوب آن رنج می‌برند. امام (ره) در کتاب کشف‌الاسرار از کسانی که جوامع اسلامی را تحقیر و تمدن غرب را ستایش می‌کنند و آن را معیار خوبی و بدی تصور می‌نمایند، انتقاد می‌کند و این تصور را خطا می‌داند و بیان می‌دارد که «وضعیت زندگی در غرب و اروپا، سراسر آشوب و جزو بدترین زندگی‌هاست ... آنچه در اروپاست بیدادگری، دیکتاتوری، خودسری و کشورسوزی است. در آنجا عدالت رعایت نمی‌شود و میلیون‌ها انسان و از جمله زنان و کودکان بی‌گناه، با صدها هزار تن بمبی که در شهرها فرو ریخته شده، به دست هم‌کیشان خود کشته شده‌اند. فتنه‌ها و آشوب‌های وحشیانه در اروپا به حدی است که حتی درندگان نیز از آن بیزارند. (کشف‌الاسرار، ص ۲۷۳ - ۲۷۲).

جملات فوق به خوبی عمق دیدگاه امام را به جنبه‌های منفی تمدن غرب نشان می‌دهد. ایشان در مواجهه با تمدن غرب با احتیاط برخورد می‌کنند و همواره نسبت به نحوه ارتباط با آن هشدار می‌دادند و تأکید می‌کردند که مسلمانان در این دادوستد باید هوشیاری خود را حفظ کنند. امام ایرادات زیادی را برای غرب مطرح می‌کند که می‌توان در مجموع آنها را در سه دسته تقسیم‌بندی کرد: دوری از معنویت، فساد و استعمار. سایر جنبه‌های منفی و ایراداتی که امام برای تمدن غرب قائل است در چارچوب موارد ذکر شده قرار دارند.

### دوری از معنویت

از نظر امام خمینی (ره) غرب صرفاً در بعد مادی پیشرفت کرده و تنها توانسته است با استفاده از علم و تکنولوژی بر طبیعت چیره شده و از آن برای افزایش امکانات و رفاه خود بهره گیرد؛ ولی در تعالی معنوی انسان ناتوان بوده و قادر نیست نیاز انسان را به معنویت و اخلاق پاسخ بگوید. «کشورهای غربی اگر بتوانند ... به کره مریخ هم بروند، به کهکشان‌ها هم بروند، باز از سعادت و فضایل اخلاقی و تعالی روانی عاجزند و قادر نیستند مشکلات اجتماعی خود را حل کنند» (ولایت فقیه، ص ۱۴).

دوری غرب از معنویت باعث شده تا بسیاری از پیشرفت‌های علمی غرب

که دارای کارکردهای مفید و مثبت است، علیه بشریت مورد استفاده قرار گیرد. «غربی‌ها در جهان مادی پیشرفت کرده‌اند ... غرب قوای طبیعت را کشف کرد و بر ضد انسان این قوا را به کار می‌برد، برای هدم انسانیت، برای هدم شهرها و ممالک ... آن چیزهایی که در آنها پیشرفت کردند، بر ضد انسانیت به کار می‌برند.» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۰۸). به عنوان نمونه، غرب از تکنولوژی که باید برای افزایش رفاه بشر به کار گرفته شود، استفاده مخرب می‌کند و آن را برای ساخت سلاح و به راه انداختن جنگ و کشتار انسان‌ها به کار می‌گیرد و شهرها و سرزمین‌ها را به نابودی می‌کشاند.

امام (ره) معتقد است که غرب برای حل مشکلات اجتماعی خود، باید به سراغ معنویت و اخلاق برود. «کسب قدرت مادی یا ثروت و تسخیر طبیعت و فضا از عهده حل مشکلات اجتماعی غرب بر نمی‌آید. ثروت و قدرت مادی و تسخیر فضا احتیاج به ایمان و اعتقاد و اخلاق اسلامی دارد ... تا در خدمت انسان قرار گیرد.» (ولایت فقیه، ص ۱۴). بر اساس دیدگاه توحیدی امام، توسعه صرف مادی، توسعه‌ای ناقص است و نمی‌تواند تمامی نیازهای انسان را پاسخ گوید. انسان همان‌طور که به امکانات مادی مناسب، و رفاه و آسایش احتیاج دارد، به معنویت نیز نیازمند است. توسعه بدون معنویت و به دور از اخلاق، خودخواهی و زیاده‌خواهی را به دنبال دارد و باعث ساخت جنگ‌افزار و وسایل کشتار جمعی و در پی آن جنگ و نابودی می‌شود. از نظر امام راه غلبه غرب بر مشکلات، توجه به معنویت است.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

#### فساد

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

امام خمینی (ره)، فساد موجود در تمدن غرب را به حدی می‌داند که خود غربی‌ها نیز از آن نالان هستند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۵۰۸). از نظر ایشان جوامع غربی نه تنها خود دچار فساد شده‌اند، بلکه سعی می‌کنند فساد را در جوامع شرقی و اسلامی نیز ترویج کنند. امام رابطه مستقیمی بین استعمار و فساد برقرار می‌کند و معتقد است که ترویج فساد یکی از راه‌های به استثمار کشیدن ملت‌های دیگر توسط غرب می‌باشد. غرب با فساد جوانان مسلمان سعی دارد نیرو و قدرت جوانی را از آنها بگیرد و جوانان را در مراکز لهو و لعب، سرگرم نماید. «وقتی جوانان چندین بار به این مراکز فساد که اینها ایجاد کرده‌اند بروند کم‌کم

تبدیل به افرادی بی‌فایده و بی‌تفاوت می‌شوند» (رویاریوی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵۱). (بدین ترتیب شرایط مساعدی برای غرب فراهم می‌شود تا با خیالی آسوده به چپاول ثروت‌ها و استثمار ملت‌ها بپردازد. امام سیاست‌های فرهنگی زمان حکومت پهلوی را مصداق این توطئه غرب می‌داند، به طوری که در آن زمان، با ایجاد مراکز فحشا و قمار و با وارد کردن کالاهای تجملاتی و آرایشی، ذخایر ارزشمند ایران، مانند نفت را خارج کردند.

امام بین دستاوردهای مثبت تمدن غرب و فساد موجود در آن تمایز قائل شده و هشدار می‌دهد که باید با بصیرت کامل مانع ورود فساد موجود در غرب به جوامع اسلامی شد. امام با تأکید بر موافقت اسلام با آثار تجدد و تمدن، تصریح می‌نماید که «آن گروه از وجوه تمدن غرب که با خود فساد اخلاق و فساد عفت بیاورند در جوامع اسلامی جایگاهی ندارند». (دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ص ۱۰۸) از نظر ایشان آن دسته از دستاوردهای تمدن غرب که کاربرد دوگانه دارند، مانند رسانه‌های جمعی که هم برای برنامه‌های آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هم برای تولید برنامه‌های فسادآور، باید با احتیاط به کار گرفته شوند و در استفاده از آنها دقت لازم صورت گیرد تا فساد از طریق آنها رسوخ نکند.

## استعمار

چهره نامطلوب و تهاجمی تمدن غرب که سبب انتقاد بیشتر اندیشمندان شده، جنبه استعماری است. استعمار غرب از نخستین سال‌های شکل‌گیری این تمدن با آن همراه شده و تا زمان حاضر نیز به اشکال مختلف به این همراهی ادامه داده است. البته در طی دوره‌های مختلف تاریخی، شیوه‌های استعمار غرب دگرگون شده و ابعاد مختلفی پیدا کرده است. استعمار غرب در ابتدا با اشغال نظامی کشورهای شرقی و اداره سیاسی مستقیم آنها همراه بود، ولی به تدریج با رشد نهضت‌های آزادی‌بخش و ملی‌گرا در کشورهای تحت سلطه، استعمار غرب تغییر شیوه داد و به شکل غیرمستقیم به دخالت در امور این کشورها و تأمین منافع خود پرداخت. در چهره جدید استعمار غرب که به آن «استعمار نو» یا «امپریالیزم» نیز می‌گویند، اهداف اقتصادی و سیاسی غرب غالباً بدون دخالت مستقیم نظامی یا اشغال سرزمین دنبال می‌شود.

امام (ره) همانند سایر متفکرین اسلامی، از استعمار غرب انتقاد می‌کند و آن را

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

به استعمار سیاسی، استعمار اقتصادی و استعمار فرهنگی تقسیم می‌نماید و مهم‌ترین آنها را سلطه فرهنگی می‌داند که زمینه را برای سلطه اقتصادی و سیاسی فراهم می‌کند. مهم‌ترین اهداف غرب از استعمار کشورهای دیگر، از نظر ایشان عبارت‌اند از: «گسترش نفوذ و تقویت پایه‌های سلطه، غارت ثروت ملت‌ها، کنترل مناطق استراتژیک، یافتن بازارهای جدید برای فروش تولیدات و ...» (رویاری با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی، ج ۲، ص ۲۵۱)

### نقد تمدن شاهنشاهی

برخی از بیانات امام خمینی، پیرامون تمدن و تمدن اسلامی، به مقوله نقدهای ایشان بر تمدن شاهنشاهی مربوط می‌شود. ایشان در این بیانات، به برداشت‌های غلط از تمدن و روش‌ها و عملکردهای ضعیف رژیم پهلوی اشاره کرده و از طرح «دروازه تمدن بزرگ» به شدت انتقاد می‌کنند: "با اسم تمدن بزرگ فرهنگ ما را عقب زدند، و به اسم پیشرفت کشاورزی ما را به کلی از بین بردند، و به اسم آزادی آزادی‌های تمام مطبوعات ما و مجال تبلیغاتی ما را مختق کردند، و یک مملکت آشفته‌ای الان، به ارث به ما رسیده است که همه‌جای آن خراب است" (همان، ج ۶، ص ۱۷۸)

به اسم تمدن و ترقی ما را به عقب بردند؛ فرهنگ ما را عقب راندند. تمام اوضاع ایران را خراب کردند» (همان، ص ۶۷)

از آفت‌های تمدن بزرگ، دروازه تمدن بزرگ است. تمدن بزرگ هم از چیزهایی است که معنای خود را ازدست داده و یک معنای دیگری در منطق اینها دارد (همان، ج ۴، ص ۲۷۰)

نقدی که حضرت امام (ره)، به تمدن شاهنشاهی داشتند، نه از سر بهانه‌جویی برای کوبیدن و مبارزه با رژیم طاغوت، بلکه ناظر به تناقضات تمدن وارداتی غرب بود که بدون مقتضیات و شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران اسلامی صورت می‌گرفت و ارزشهای ملی و اسلامی ما را هدف قرار داده بود.

### تمدن اسلامی

تعالیم و آموزه‌های دینی در اندیشه امام (ره)، نقش اساسی ایفا می‌کند؛ به طوری که امام در مواجهه با هر مسئله‌ای، اصول و آموزه‌های دینی را لحاظ



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

می‌نماید. در تعالیم دینی، انسان موجودی دو بعدی معرفی می‌شود که نیازهای مادی و معنوی دارد که باید به آنها توجه شود. بر این اساس در نظر امام، هر تمدنی که ظهور می‌کند باید از توانایی لازم برای سوق دادن انسان به سوی تعالی مادی و معنوی برخوردار باشد. تمدن‌ها باید نیازهای فردی و اجتماعی جوامع بشری را رفع، و درصدد رشد و تعالی انسان‌ها باشند. نگاه امام به فرهنگ و تمدن اسلامی، و فرهنگ و تمدن غرب نیز بر این اساس است.

در دیدگاه امام خمینی (ره)، انسان موجودی به‌شمار می‌رود که هم جنبه مادی و هم جنبه معنوی دارد (کشف‌الاسرار، ص ۳۱۱). و باید به هر دوی آنها توجه کافی شود؛ رفاه مادی و سعادت معنوی توأمان تأمین گردد. از نظر امام، اسلام دینی است جامع که برای تمام حوزه‌های زندگی بشر برنامه دارد و تعالی مادی و معنوی انسان را لحاظ کرده است. اسلام هم برای اداره امور دنیایی و هم برای تعالی معنوی برنامه و دستور دارد. دستورات و تعالیم دین اسلام به‌حدی کامل است که «از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار نکرده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است» (صحیفه روح‌الله، ص ۳۸ - ۳۷).

از نظر امام (ره) برای رسیدن به کمال واقعی، نیاز است که به بهبود معیشت و رفاه مادی و همچنین تعالی معنوی افراد جامعه توجه کنیم. امام برخلاف نظر کسانی که توجه به مادیات را مانع رشد معنوی انسان تلقی می‌کنند، بهبود زندگی مادی را نفی نکرده و آن را مورد تأیید اسلام می‌داند. از نظر ایشان دنیاگرایی به مفهوم «اصل قرار گرفتن دنیا و فراموش کردن آخرت» مذموم است، ولی به مفهوم توجه به امور دنیایی در حد رفع نیازهای اقتصادی و اجتماعی و ایجاد یک زندگی مادی مناسب برای همه اقشار جامعه و آباد کردن جامعه اسلامی و تبدیل کردن آن به یک جامعه مستقل و الگو، مورد تأیید است. امام به زندگی مادی و زمینی به‌عنوان یک واقعیت می‌نگرد و به رفع نیازهای مادی توجه دارد، ولی بر این مسئله نیز تأکید می‌ورزد که توجه به پیشرفت مادی و اقتصادی نباید موجب غفلت از خدا و تعالی معنوی شود. همچنین از نظر ایشان، پرداختن به تعالی معنوی بدون توجه به نیازهای مادی نیز نمی‌تواند موفق باشد (فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۱۵ - ۱۱۴)

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

امام (ره) این عقیده را که انبیا و بزرگان دینی تنها به تعالی معنوی نظر داشته و به امور دنیایی نمی‌پرداختند رد، و تأکید می‌کند که پیامبران نیز، هم به امور مادی و هم به امور معنوی توجه داشته‌اند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۹۱) خداوند بر اساس رحمتی که به همه بندگانش دارد، تمام اسباب و لوازم رشد و سعادت در زندگی مادی و معنوی را برای بشر فراهم ساخته است؛ (نبوت از دیدگاه امام خمینی، ص ۶). و پیامبران را که به راه‌های تعالی بشر آگاه‌اند، برای هدایت انسان به سوی سعادت و «شناساندن راه خیر و شر و زشت و زیبا، فرستاده است» (چهل حدیث، ص ۱۲۲). و از این طریق می‌خواهد انسان را به مرتبه کمال خود برساند و در ابعاد روحانی و جسمانی و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همه حوزه‌ها هدایت کند.

در دیدگاه امام خمینی (ره)، کمال واقعی انسان، نه در دنیا، بلکه در آخرت قرار دارد و بر این اساس تعالی معنوی، از نظر ایشان بر تعالی مادی برتری دارد. انسان می‌تواند از دنیای طبیعت به مافوق طبیعت صعود کند «و به مقام الوهیت برسد، جایی که غیر از خدا هیچ نمی‌بیند... انسان مانند یک حیوان نیست که احتیاجاتش به خوردن و خوابیدن محدود باشد» (همان، ص ۱۷۳) بلکه انسان خلق شده است برای اینکه به زندگی جاویدان دست پیدا کند. «زندگی دنیایی، زندگی پست و محل زوال و فناست و در مقابل، عالم ماورا، محل کمال و ثبات است» (معاد از دیدگاه امام خمینی، ص ۸۱). کسی که تنها به زندگی مادی توجه می‌کند و به دنبال آن است که قدرت و لذت خود را در این دنیا به حداکثر برساند، به سوی سقوط و زوال می‌رود، در مقابل کسی که توجهش به معنویت بوده و دنیای مادی در نظرش حقیر باشد به زندگی جاودان می‌رسد.

از نظر امام (ره)، انبیا برای این آمده‌اند که راه رسیدن به سعادت و زندگی جاودان را به انسان بنمایانند، به طوری که انسان طبیعی و مادی که در زندگی حیوانی سیر می‌کند به «انسان لاهوتی، الهی، ربانی و روحانی تبدیل شود» (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۹۷).

در دیدگاه امام (ره)، زندگی دنیایی، رفاه مادی، افزایش امکانات، بهبود وضعیت زندگی و... همه باید در خدمت رسیدن به تعالی معنوی قرار گیرند، تا انسان بتواند با فراغ بال به مقصد نهایی خود برسد.

بهبود زندگی دنیایی و تعالی مادی هر چند مهم هستند، ولی مقصد و هدف



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سیپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴



نمی‌باشند؛ بلکه وسیله‌ای برای تعالی معنوی و رسیدن به سعادت واقعی هستند. ایشان این مسئله را نقطه تمایز تمدن‌های غیراسلامی با تمدن اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند: هر مکتبی را به استثنای مکتب اسلام که ملاحظه کنید، یک مکتب مادی [است] که انسان را حیوان تصور کرده است ... این‌طور ادراک کرده‌اند از انسان که مثل سایر حیوانات است که تمام رشدهایی که دارد در همان امکانات مادی دور می‌زند ... و حال آنکه عوالم دیگر است که اینها درکش نکرده‌اند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۹) در تمدن غربی اصل در زندگی، تعالی مادی و رسیدن جامعه به بیشترین رفاه و امکانات است و به امور معنوی بی‌توجهی می‌گردد و حتی از حوزه‌های مختلف زندگی معنویت‌زدایی می‌شود. ولی در جامعه اسلامی مطلوب امام، مقصد، سعادت و زندگی جاویدان اخروی بوده و تعالی مادی وسیله است.

البته در ادامه و در راستای تبیین نقطه جوهری و کانونی تفاوت میان تمدن اسلامی و تمدن‌های دیگر، اشاره می‌کنند که تمدن اسلامی نیز تمامی این ظواهر تمدنی و پیشرفت‌های سخت‌افزاری عمومی‌ای که در تمامی ملل متمدن می‌توان یافت را به‌نحوی قبول داشته و خود نیز دستورات فراوانی در پی‌گیری و کسب این ترقیات ظاهری دارد که وجه بارز آن را می‌توان در علم و تکنولوژی یافت. ولی آنچه عامل اساسی در تمییز میان تمدن اسلامی از تمدن غیراسلامی می‌گردد، تأکید و جهت‌دهی این ظواهر تمدنی و ترقیات ظاهری به سمت و سوی معنویت و نگرش توحیدی است. در واقع تمییزبخش اساسی و جوهری تمدن اسلام از غیر آن از دیدگاه حضرت امام، روح حاکم و جهت‌بارزی است که در دو تمدن نسبت به ترقیات، ابزارها و دستاوردهای تمدنی وجود دارد. بدین‌نحو که تمدن و ظواهر مادی آن در تمدن غربی از نگرش توحیدی و دو ساحتی (مادی و معنوی)، برخوردار نمی‌باشد.

تمدن را به درجه اعلایش اسلام قبول دارد و کوشش می‌کند برای تحقق‌اش ... حکومت‌هایی که در اسلام بوده‌اند همه‌جور تمدنی در آنها بوده است ... همان چیزهایی که در ممالک متمدنه است. اسلام هم آنها را قبول دارد و کوشش هم برایش می‌کند ... [ولی اسلام] به این نگاه می‌کند که بکشدهش طرف روحانیت، طرف توحید ... از این جهت فرق است مابین اسلام و غیراسلام. (همان، ج ۸، ص

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

## برتری تمدن اسلامی

امام خمینی (ره)، تمدن اسلامی را بر تمدن‌های دیگر برتر دانسته و حکومت و معنویت آنها را ممتاز می‌داند:

مسلمین آنها بودند که مجد آنها دنیا را گرفته بود. تمدن آنها فوق تمدن‌ها بود. معنویات آنها بالاترین معنویات بود. رجال آنها برجسته‌ترین رجال بود. توسعه مملکتشان از همه ممالک بیشتر بود. سیطره حکومتشان بر همه دنیا غالب شده بود. (همان، ج ۱، ص ۳۷۵)

ما در اعلامرتبه تمدن هستیم؛ اسلام در اعلامرتبه تمدن است؛ مراجع عالی‌قدر اسلام در اعلامرتبه تمدن هستند. خوب، بروید، ببینید آنها [را]، اینجا موجودند، مشهد موجود است، تهران موجود است، نجف موجود است، بروند ببینند، کدام اینها مرتجع هستند؟. (همان، ص ۳۰۱)

از نظر امام خمینی (ره)، اسلام موفق شد با ایدئولوژی خاص خود، تمدن نوینی را در جهان پایه‌گذاری کند؛ به‌گونه‌ای که در مدت کوتاهی بر سایر تمدن‌ها پیشی گرفت. از این رو معلوم می‌شود که نوع نگرش خاص به انسان و دین‌مداری تا چه میزان می‌تواند در پی‌ریزی تمدن مفید و مؤثر باشد. امام، تمدن بزرگ اسلامی را که در سده‌های اولیه حیات اسلام جریان داشت، به‌عنوان الگوی مطلوبی می‌نگرد که در آن به ابعاد مختلف زندگی بشر و رشد مادی و علمی و تعالی معنوی و زندگی اخروی توجه شده است. همچنین تمدن اسلامی به‌دلیل توجه به مسائل علمی، دینی و اخلاقی نسبت به سایر تمدن‌هایی که در گذشته ظهور کرده‌اند و یا در دوران معاصر وجود دارند، کامل‌تر و غنی‌تر است و هیچ تمدنی نه در گذشته و نه در حال نتوانسته به جامعیت تمدن اسلامی دست پیدا کند. (فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۱۲۲ - ۱۲۱)

امام، تمدن اسلامی را به پیشرفت‌های علمی محدود نمی‌کند، بلکه تمدن اسلامی را دارای روحی سرشار از ایمان می‌داند که در تمامی ارکان آن جریان دارد و آن را از دیگر تمدن‌های بشری متمایز می‌کند. از نظر وی غرب نتوانسته ماهیت تمدن اسلامی را کشف کند. غرب به‌میزان درک ناقص خود، تمدن اسلامی را در اتاق‌های نقاشی، ظروف چینی، ساختمان‌های مرتفع و پرده‌های قیمتی می‌بیند. (کشف‌الاسرار، ص ۲۷۳)



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

### تصرفات اسلامی در جهت اشاعه تمدن

امام خمینی (ره)، تصرفات و کشورگشایی‌هایی را که در قرون گذشته اتفاق افتاده، گامی در جهت اشاعه و ترویج تمدن صحیح می‌دانند و آن را با کشورگشایی افرادی همچون ناپلئون و دیگران از حیث جوهری متفاوت می‌دانند: عربی که در آن وقت، در زمانی که وارد شد قرآن کریم، یک مردم متفرق و یک مردمی بودند که با خودشان هم هی ورمی رفتند، در بین خودشان یک جنگ و جدالی بود و هیچ فکر امور سیاسی نبودند و همان بین خودشان، مثل یک طوایف وحشی بودند، در قبل از یک نیم قرن، در حدود سی سال، این امپراتوری را همین عده عرب کمی ابتدائاً دور رسول اکرم (ص) بودند و اینها را ساخت. پیامبر اکرم، در یک مدت کمی، دو تا امپراتوری ... که یکی ایران بود و یکی هم روم بود، هر دو را فتح کردند ... و تسخیرها تسخیری نبود که مثل ناپلئون باشد که بخواهد یک مملکتی را بگیرد، تسخیرهای اسلامی برای این بود که مردم را بسازد، مردم را موحد کند ... مسائل این بوده که می‌خواستند مردم را روبه‌راه کنند؛ یعنی وحشی‌ها را متمدن کنند. (صحیفه امام، ج ۴، ص ۴۵۰).

صدر اسلام با یک همچو روحیه‌ای که شهادت را می‌خواستند، آنطور پیشرفت کردند. در نیم قرن، تقریباً معموره دنیا را، دنیای متمدن آن وقت را فتح کردند، و الا عددشان یک عده بودند حجازی، و نه فنون جنگی به آن معنای مدرنش را که روم و ایران می‌دانستند، می‌دانستن. (همان، ج ۹، ص ۴۰۸)

امام خمینی (ره)، عنصر شهادت‌طلبی و ایمان و اسلام را در برتری تمدن اسلام بر تمدن باسابقه و پیشرفته روم و ایران مؤثر می‌دانند و معتقدند: در جریان پی‌ریزی تمدن اسلامی، مسلمانان با اخلاق حسنه و معاشرت نیکو توانستند اعتماد ملت‌ها را به خود جلب نمایند و هدفشان نیز سودانگاری و منفعت‌طلبی نبوده - آن گونه که استعمارگران در پی آن بودند - بلکه مسلمانان به دنبال سازندگی اخلاقی و اشاعه توحید و یکتاپرستی بودند.

### مخالفت نداشتن اسلام با تمدن جدید

از دیدگاه امام خمینی، اسلام با تمدن جدید و مظاهر آن مخالفتی ندارد و روحانیان نیز با مظاهر تمدن اسلامی مخالفتی نداشتند؛ اما اسلام با فساد و توحش و برداشت نادرست از تمدن مخالف است:

اسلام پیشرفته‌ترین حکومت را دارد و به هیچ وجه، حکومت اسلام با تمدن،

مخالفتی نداشته و ندارد و اسلام، خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل نماید، بدون شک از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد شد. (همان، ج ۵، ص ۲۰۵)

با کدام یک از مظاهر تمدن مخالفت کرده‌اند روحانیون؟ همه مظاهر تمدن را ما قبول داریم. آنی که ما قبول نداریم این انحرافات است که هست. (همان، ج ۴، ص ۲۰۱)

حضرت امام (ره) از آن دسته متفکرانی بودند که در نزاع میان سنت و تجدد قائل به راه میانه و متعادل شدند. یعنی درعین قبول مظاهر تجدد و پیشرفت مادی، عنصر معنویت و اخلاق در آن لحاظ شود. درواقع، دین و اخلاق به‌عنوان چراغ پرفروغی، پیشرفت‌های مادی را به‌سوی تعالی و رشد واقعی بشر رهنمون گردد.

#### توجیه برخی مخالفت‌ها

امام خمینی (ره)، علت برخی مخالفت‌های رهبران مذهبی با مظاهر تمدن را ترس از نفوذ اجانب در جوامع اسلامی و جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتدال می‌دانند:

مخالفت روحانیون با برخی از مظاهر تمدن در گذشته، صرفاً به‌جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب، موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند. (همان، ج ۲۱، ص ۲۷۷).

#### عوامل انحطاط تمدن اسلامی

از نظر امام، تا زمانی که مسلمانان از تعهد دینی برخوردار بودند و اجرای تعالیم الهی را مدنظر قرار می‌دادند دارای عظمت و قدرت بودند. تمدن آنها بالاتر از سایر تمدن‌ها و فرهنگ آنها غنی‌تر از هر فرهنگی بود و محافل علمی مسلمانان به مراکز جذب علاقه‌مندان به کسب دانش از سایر نقاط جهان تبدیل شده بود. انتقال دانش و دستاوردهای علمی از تمدن اسلامی به اروپا و سایر جوامع صورت می‌گرفت. در عرصه سیاسی و نظامی نیز مسلمانان بر بخش بزرگی از سرزمین‌های متمدن آن روزگار تسلط داشتند و به‌عنوان قدرت برتر شناخته می‌شدند. مرزهای آنها از اندلس و قلب اروپا تا جنوب روسیه، مرزهای چین و حتی جنوب شرقی آسیا امتداد داشت، در دریاها قدرت مسلط شناخته می‌شدند و هیچ قدرتی، توان



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

رویاری با آنها را نداشت. ولی به تدریج مسلمانان برتری خود در حوزه‌های مختلف را ازدست دادند. در حوزه سیاسی و نظامی شکست‌های سنگینی را از اروپاییان متحمل شدند و بسیاری از سرزمین‌هایی را که در تصرف داشتند، به اشغال اروپاییان درآمد و ملت‌های مسلمان در شمال آفریقا، جنوب آسیا و خاورمیانه، مستعمره غرب گردیدند و غرب، آنها را تحت نفوذ و سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود قرار داد. مراکز علمی مسلمانان نیز رونق خود را ازدست دادند و علوم عقلی مهجور واقع شد و بدین ترتیب برتری علمی مسلمانان نیز ازبین رفت. از نظر علمی، مسلمانان که زمانی صادرکننده علوم مختلف به سایر نقاط جهان بودند، به علم و تکنولوژی غرب وابسته شدند.

امام خمینی (ره)، در تبیین علت شکست‌ها و ضعف مسلمانان و برتری غرب بر آنها به عوامل مختلفی اشاره می‌کند، ولی در بین آنها بر یک مورد بیش از همه تأکید می‌نماید، به طوری که از نظر امام می‌توان آن را علت‌العلل ضعف و شکست مسلمانان در مقابل غرب دانست. امام به دلیل اینکه اندیشه و نظام فکری‌شان بر توحید و تعالیم دینی استوار است، آن دلیل را «دور شدن مسلمانان از تعالیم دینی» می‌داند. عواملی نظیر خیانت حاکمان کشورهای اسلامی، سستی مسلمانان در مبارزه و مقابله با هجوم فکری و سیاسی غرب، دل‌مشغولی مسلمانان به ارزش‌های مادی، گسترش فساد در جوامع اسلامی و ... که باعث افول تمدن اسلامی، ضعف، تفرقه و شکست آنان در مقابل غرب شدند، همگی ریشه در یک عامل اساسی دارند که آن غفلت از تعالیم الهی می‌باشد.

امام خمینی (ره)، از سوی دیگر، تفرقه میان امت‌های اسلامی را عامل انحطاط و سقوط تمدن اسلامی قلمداد کرده، معتقدند، استعمارگران دو نوع تفرقه در میان جوامع اسلامی پدید آوردند، یکی تفرقه مذهبی میان شیعه و سنی، و دیگری تفرقه ملی، میان قبایل و طوایف داخلی ایران.

دیدند که با این سیطره، با این وحدت دول اسلامی نمی‌شود، تحمیل کرد چیزهایی را که می‌خواهند، نمی‌شود ذخایر اینها، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را نمی‌شود قبضه کرد، درصدد چاره برآمدند. چاره این بود که بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند. (همان، ج ۱، ص ۳۷۵)

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

## نتیجه

تمایزی بنیادین در نظریه‌پردازی تمدن بین دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، و دیگرانی که در این مقوله سخن گفته‌اند، وجود دارد. به تعبیری ایشان تمدن را نه در قالبی از تعریف متداول، بلکه با نگاهی منبعث از انسان‌شناسی خاص اسلامی و اعتقادات آن، در شکل مجموعه‌ای یک‌دست از نظام فکری، اخلاق، آداب و سنن، ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و دستاوردهای علمی در نظر می‌گیرد. در رویکرد تمدنی ایشان، علاوه بر اینکه تجلیات تمدنی یا بخش سخت‌افزاری آن مورد تأیید بوده و از اهمیت وافری بهره‌مند است، ولی در سطحی دیگر مؤلفه‌ها و ابعاد معنوی و نرم‌افزاری تمدن قرار گرفته که از اهمیت و جایگاه برجسته‌تری برخوردار بوده و به تعبیری اصالت و اولویت انکارناپذیری بر آن مترتب است.

ایشان در سخنرانی‌ها و تألیفات خود معنای کلی تمدن را در نظر می‌گیرند و گاه در بخشی از سخنان خود به مفهوم تمدن به معنای دستاوردهای ظاهری، ابعاد مادی و پیشرفت اشاره دارند. در نظر امام (ره)، هر تمدنی که ظهور می‌کند باید از توانایی لازم برای سوق دادن انسان‌ها به سوی تعالی مادی و معنوی برخوردار باشد. از همین رو ایشان، تمدن بزرگ اسلامی را که در سده‌های اولیه حیات اسلام جریان داشت، به عنوان الگوی مطلوبی می‌نگرد که در آن به ابعاد مختلف زندگی بشر توجه شده است.

از دیدگاه امام خمینی (ره)، شاخصه‌های تمدن عبارتند از: مذهب، قانون، آزادی، وجود احزاب، استقلال و تقسیم کارهای اجتماعی، که همه این شاخص‌ها به صورت جامع و کامل در اندیشه اسلامی دیده می‌شود.

علاوه بر آن ایشان تمدن اسلامی را جامع و کامل‌ترین تمدنی می‌دانند که تاکنون در عرصه حیات بشری ظهور کرده است؛ و آن را فوق و مقدم بر سایر تمدن‌ها دانسته و معتقد است تمدن مسلمان‌ها در اعلام‌رتبه تمدن می‌باشد.

امام (ره) معتقد است که غرب نتوانسته به شناخت صحیحی از تمدن اسلامی دست یابد و تنها این تمدن را در ظواهر آن مانند ساختمان‌ها و ظروف و ... می‌بیند. امام خمینی، تمدن اسلامی را به پیشرفت‌های علمی محدود نمی‌کند، بلکه تمدن اسلامی را دارای روحی سرشار از ایمان می‌داند که در تمامی ارکان آن جریان دارد، که آن را از دیگر تمدن‌های بشر متمایز می‌کند.

از دیدگاه امام خمینی (ره)، اسلام و روحانیون با تمدن جدید و مظاهر آن



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال دوم  
شماره ششم  
زمستان ۱۳۹۴

مخالفتی نداشته و اسلام تنها با فساد و توحش و برداشت نادرست از تمدن مخالف است.

از سوی دیگر ایشان علت برخی مخالفت‌های رهبران مذهبی با مظاهر تمدن را ترس از نفوذ اجانب در جوامع اسلامی و جلوگیری از ترویج فرهنگ ابتذال می‌دانند.

از دیدگاه امام خمینی (ره)، مهم‌ترین عنصر تمدن، نه در نمادها و تجلیات فیزیکی و مادی آن، بلکه در وجه معنوی و توان انسان‌سازی آن نهفته است؛ و با این مقیاس است که ایشان فرهنگ غرب را با تمام توانایی‌هایی که در تولید مصنوعات بشری و قوانین طبیعت دارد، به لحاظ نگاه تک‌بعدی‌اش به انسان، تمدن نمی‌داند.

امام خمینی، تفرقه میان امت‌های اسلامی را عامل انحطاط و سقوط تمدن اسلامی قلمداد کرده و معتقدند: تفرقه‌افکنی در میان امت اسلامی و ملت ایران ابزار استعمارگران در راستای چپاول ذخایر و داشته‌های آنان می‌باشد.

در ارتباط با تمدن غرب سه جریان برجسته غرب‌گرا، غرب‌ستیز و غرب‌گزین قابل شناسایی است که برجسته‌ترین نماینده جریان غرب‌گزینی در ایران را بایستی به‌حق حضرت امام خمینی (ره)، دانست. ایشان علاوه بر بهره‌مندی از یک منظومه فکری و اندیشه سیاسی، به‌عنوان رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، نقش و جایگاه برجسته‌ای در شکل‌دهی به نگرش جدید نسبت به غرب و تمدن آن ایفا کردند. این جریان هم به حفظ هویت دینی و ملی تأکید می‌کند و هم این واقعیت را می‌پذیرد که تمدن غرب به پیشرفت‌های زیادی در عرصه علمی رسیده است، لذا سعی می‌نماید از دستاوردهای تمدن غرب، برای بازسازی جامعه، رفع کاستی‌ها و تقویت جامعه اسلامی بهره بگیرد. از نگاه گزینشی به فرهنگ و تمدن غرب که همراه با آگاهی از هویت مستقل فرهنگی خود و اقتباس آگاهانه از تمدن غرب است تحت عنوان «بازگشت به خویشتن» نیز یاد می‌شود. طرفداران نگاه گزینشی، برخلاف گروه‌های اول و دوم یک‌دست و تفکیک‌ناپذیر بودن تمدن غرب را نمی‌پذیرند و معتقد هستند که تمدن غرب یک کل واحد نیست که نتوان بین اجزای مختلف آن تفکیک قائل شد و به‌اجبار همه آن را پذیرفت، یا اینکه همه آن را رد کرد. در این میان امام راحل تمدن غرب را دارای نقاط مثبت و قابل اعتنا و نکات منفی و مذمومی می‌دانند، و از همین رو بر وجوه مثبت این تمدن

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

از جمله علم و تکنولوژی و صنعت غرب از یکسو و ازسوی دیگر بر وجوه مطرود و مذموم این تمدن از جمله: دوری از معنویت، فساد و استعمارطلبی آن تأکید می‌کنند.

در واقع جان‌مایه تمدن اسلامی در کلام و اندیشه امام خمینی (ره)، را این‌گونه می‌توان خلاصه و بیان کرد که تمدن اسلامی عبارت است از: تمدن اصیل و پویایی که منبعث از متن اسلام ناب و آموزه‌های مبتنی بر فطرت و غایت زیست بشری بوده که علی‌رغم تأیید و توجه وافر بر وجوه عینی و مظاهر و تجلیات مادی تمدنی، محور و ستون فقرات آن بر جهت‌دهی توحیدی و معنوی این تجلیات مادی، و اصالت و اولویت مؤلفه‌های معنوی بر وجوه مادی تمدن قرار گرفته است، که هدفی جز سعادت حقیقی بشریت در سایه بهسازی این جهانی و دگرجهانی او ندارد.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست

سال دوم

شماره ششم

زمستان ۱۳۹۴



## کتابنامه

- امام خمینی، سید روح‌الله، چهل حدیث، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، خودباوری و خودباختگی از دیدگاه امام خمینی، تبیان موضوعی، دفتر بیست و ششم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، تهران، ذکر، ۱۳۷۴.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، رویارویی با تهدیدات معاصر در اندیشه امام خمینی، تهران، ستاد بزرگداشت یک‌صدمین سال میلاد امام خمینی، ۱۳۷۹.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، صحیفه روح‌الله، تهیه و تنظیم رسول سعادت‌مند، قم، تسنیم، ۱۳۸۵.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، کشف‌الاسرار، قم، آزادی، بی‌تا.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، معاد از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_، سید روح‌الله، نبوت از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
- جان‌احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸.
- صاحب‌الزمانی، ناصرالدین، سهم اسلام در تمدن جهانی، تهران، بعثت، بی‌تا.

تمدن اسلامی  
از دیدگاه  
امام خمینی (ره)  
(۳۳ تا ۵۸)

- طاهری بنچناری، میثم، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.
- کاشفی، محمدرضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
- کرمی فقهی، محمدتقی [و دیگران]، جستاری نظری در باب تمدن، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سیپهر سیاست

سال دوم

شماره ششم

زمستان ۱۳۹۴